

مطالعه تطبیقی مکانیسم دادرسی انتخاباتی در انگلستان و اصول بین‌المللی حاکم بر دادرسی انتخاباتی

مقاله علمی - پژوهشی

دکتر حسین علایی*

چکیده:

در حقوق و رویه بین‌المللی معیارها و استانداردهایی مقرر شده است که رعایت آنها یک انتخابات را به سمت انتخاباتی آزاد و منصفانه که مردم سهم واقعی در مشارکت فعالانه آن دارند، سوق خواهد داد؛ از جمله مهم‌ترین این معیارها، نظارت بر نتایج انتخابات و حل‌وفصل دعاوی انتخاباتی می‌باشد. اختلافات چه در مراحل ابتدایی انتخابات، یعنی مرحله ثبت‌نام و احراز صلاحیت‌ها، چه در مرحله برگزاری آن، یعنی تبلیغات و رأی‌گیری و چه در مرحله پساانتخاباتی یعنی اعلام نتایج و ... رخ دهد، لازم است در بستری از انصاف و عقلانیت و با رعایت موازین و استانداردهای بین‌المللی حل‌وفصل شوند.

در انگلستان رسیدگی به دعاوی انتخاباتی با دادگاه ویژه‌ای متشکل از دو قاضی دیوان عالی بدون حضور هیئت منصفه است. این دادگاه می‌تواند از کاندیدا سلب صلاحیت کند، آراء را بررسی کند، نتایج انتخابات را اعلام کند یا خواستار برگزاری انتخابات جدید شود؛ اما متأسفانه تشریفات طرح دعاوی انتخاباتی گاهی بیش از اندازه دشوار است و به‌طور کلی شواهد نشان می‌دهد که روند طرح این دعاوی در بریتانیا منسوخ، پیچیده، غیرقابل دسترس و ناکارآمد است. در این پژوهش برآنیم با طرح

موازن بین‌المللی در رسیدگی به دعاوی انتخاباتی، به بررسی تشریفات نظام دادرسی انتخاباتی انگلستان و میزان انطباق آن با موازن بین‌المللی مربوطه بپردازیم.

کلیدواژه‌ها:

دعای انتخاباتی، انگلستان، فرایند دادرسی، اصول بین‌المللی، دادگاه انتخابات.

مقدمه

از زمان شکل‌گیری قدرت سیاسی و تقسیم جامعه سیاسی به دو گروه فرمانبران و فرمانروایان، همواره مشروعیت فرمانروایی گروه اخیر مورد بحث و جدال بوده است. نظریه تعلق حاکمیت به مردم پس از تجربیات گوناگون در امر حکومت، به‌عنوان تنها نظریه معقول، مقبول ملل و معمول اکثر قریب به اتفاق جوامع سیاسی جهان گشته است. به‌دلیل عدم تحقق دموکراسی مستقیم، شیوه دموکراسی غیرمستقیم، یعنی گزینش فرمانروایان از جانب فرمانبران، مورد توجه قوانین اساسی قرار گرفته و مکانیسم انتخابات برای آن منظور گردیده است.^۱

یکی از مؤلفه‌های ضروری برای تحقق حاکمیت مردم و برقراری دموکراسی، وجود راهکارهای منصفانه، کارآمد و قانع‌کننده برای حل و فصل اختلافات است. از جمله اختلافات طبیعی و ممکن نیز، اختلاف در فرایند انتخابات و نتیجه آن می‌باشد. این اختلافات چه در مراحل ابتدایی انتخابات، یعنی مرحله ثبت‌نام و احراز صلاحیت‌ها، چه در مرحله برگزاری آن، یعنی تبلیغات و رأی‌گیری و چه در مرحله پساانتخاباتی یعنی اعلام نتایج و ... رخ دهد، لازم است در بستری از انصاف و عقلانیت حل و فصل شوند؛ در غیر این صورت اساساً فلسفه وجودی انتخابات زیر سؤال خواهد رفت، بنابراین در حقوق اساسی کشورها برای این دعاوی راهکارهایی در نظر گرفته شده است. نظام حقوقی باید این سازکارها را به‌گونه‌ای پیش‌بینی کند که وجدان عمومی از برقراری عدالت در این زمینه اقناع گردد. پیش‌بینی راههای اعتراض به نتایج و یا شیوه برگزاری انتخابات، نشان از قوت و باز بودن نظام سیاسی دارد و طرح این دعاوی ناشی از افزایش آگاهی عمومی از این حق می‌باشد.

بر اساس نظریه سازمان امنیت و همکاری اروپا، مسائل اساسی در نظریه‌های مربوط به

حل و فصل دعاوی انتخاباتی عبارت‌اند از:

۱- اعتبار نتایج و به‌دنبال آن حق اعتراض به نتایج انتخابات؛

۱. کمال‌الدین هریسی‌نژاد، «نظری بر ابعاد حقوقی انتخابات و راههای توسعه آن»، نشریه دانشکده ادبیات و

۲- اقدامات مقامات مسئول انتخابات برای رفع مشکلات که مؤید حق دادرسی برای جبران موارد نقض حق رأی است؛

۳- دادرسی کیفری علیه کسانی که تلاش کرده‌اند روند انتخابات را به انحراف بکشاند یا به انحراف کشانده‌اند.^۲

باتوجه به سیستم‌های حقوقی و سیاسی مختلف، دولت‌ها، رویکردها و سازکارهای متفاوتی برای حل و فصل دعاوی انتخاباتی در نظر گرفته‌اند که عمدتاً از چهارچوب کلی انتخابات ریشه می‌گیرد. در بیشتر کشورهای باثبات نظیر آمریکا، بریتانیا، آلمان، فرانسه و ایتالیا، حل و فصل دعاوی انتخاباتی از طریق نهادهای اجرایی و قضایی عادی و مطابق با آیین ویژه‌ای انجام می‌گیرد.

به‌عنوان مثال در ایالات متحده آمریکا این قضات هستند که به شکایات و دعاوی انتخاباتی رسیدگی می‌کنند؛ بنابراین نامزدها بعد از شمارش آراء و اعلام نتایج می‌توانند شکایات خود را مطرح کنند. مسئولیت رسیدگی به این شکایات برعهده دادگاه‌های ایالتی است. دادگاه‌ها پس از رسیدگی به اظهارات طرفین، درمورد صحت آراء، ابطال یا بازشماری آن حکم صادر می‌کنند. رسیدگی به فرجام‌خواهی یا اعلام نظر دیوان عالی در ارتباط با پرونده‌های انتخاباتی مشابه روند دادرسی در قوه قضائیه ایالات متحده آمریکا است و لذا درخصوص تصمیم دادگاه‌های ایالتی می‌توان به دیوان عالی فدرال شکایت کرد.

در برخی کشورهای درحال توسعه طرح دعاوی انتخاباتی بنا به قانون انتخابات در صلاحیت دادگاه‌های عادی و کمیسیون‌های ویژه دائمی یا موقتی است. روش دیگر وجود یک دادگاه دائم انتخاباتی است که مستقیماً موظف به حل و فصل دعاوی انتخاباتی باشد؛ بنابراین الگوهای حقوقی متفاوتی برای رسیدگی به دعاوی انتخاباتی وجود دارد. اتخاذ تصمیم در رسیدگی می‌تواند در صلاحیت کمیسیون‌های انتخاباتی قرار گیرد، یا در انحصار دادگاه‌های عادی باشد و یا در صلاحیت دادگاه قانون اساسی قرار گیرد که در این صورت این دادگاه به‌عنوان یک دادگاه انتخاباتی عمل خواهد کرد. علاوه بر این طرق جبرانی متفاوتی از جمله اقدامات اجرایی از سوی دولت یا مقامات انتخاباتی برای حل مشکل و یا تعقیب کیفری تقلب انتخاباتی مقرر می‌شود.

2. D. Petit, "Resolving Election Disputes in the OSCE Area: Towards a Standard Election Dispute Monitoring System, 2000, 5," Last Accessed January 15, 2017. <https://www.osce.org/odihr/elections/17567?download=true>

بدیهی است که یک روش نمی‌تواند در همه کشورهای پاسخگو باشد و باتوجه به سطح فرایند دموکراتیک در هر کشور الگویی مناسب می‌طلبد. در هر صورت این الگوها در حل و فصل دعاوی نمی‌توانند بدون چهارچوب باشند و باید طبق معیارها و استانداردهای بین‌المللی اعمال شوند، چراکه حق رأی و تمامی حقوق مرتبط با آن از جمله حقوق بشر به حساب می‌آیند. در اسناد حقوق بین‌الملل حل و فصل دعاوی انتخاباتی به طور خاص اشاره نشده است. همچنین در مورد معیارهای عام حل و فصل دعاوی یعنی منصفانه، اثربخش، بی‌طرفانه و به موقع بودن دعاوی انتخاباتی، اجماعی شکل نگرفته است.

بنابر مطالبی که عنوان شد، در این مقاله با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و مطالعه و بررسی سیستم حقوقی حل و فصل دعاوی انتخابات در انگلستان به عنوان یکی از کشورهای پیشرفته در برقراری دموکراسی، در پی یافتن پاسخی برای این پرسش‌ها می‌باشیم: اصول و استانداردهای بین‌المللی حاکم بر حل و فصل دعاوی انتخاباتی چیست؟ طرح دعاوی انتخاباتی در انگلستان چگونه است؟ نهاد رسیدگی‌کننده به دعاوی انتخاباتی در انگلستان کدام است؟ آیا سیستم مرسوم در انگلستان با اصول بین‌المللی حاکم بر حل و فصل دعاوی انتخاباتی انطباق دارد؟

هدف از این پژوهش بررسی یکی از سیستم‌های رایج در طرح دعاوی انتخاباتی در یکی از کشورهای مدرن و میزان کارآمدی و انطباق با استانداردها و پاسخگویی آن به وجدان عمومی می‌باشد. برخی نویسندگان در اهمیت حق شکایت از نتیجه انتخابات بیان کرده‌اند که: «اختلافات انتخاباتی امری ذاتی در انتخابات هستند. به چالش کشیدن انتخابات، انجام و یا نتیجه آن را نمی‌توان بازتاب ضعف انتخابات دانست بلکه نقطه قوت و سرزندگی و باز بودن نظام سیاسی می‌باشد. حق رأی کاملاً انتزاعی خواهد بود اگر حق شکایت برای اجرای حق رأی در قانون تضمین نشده باشد ...»^۳

۱- طرح دعاوی انتخاباتی در انگلستان

همان‌طور که در تاریخ سیاسی بریتانیا دیده می‌شود، نخستین سنگ‌بنای انتخابات به معنای امروزی کلمه در این مملکت گذارده شد، اما استقرار حقوقی و سیاسی انتخابات در شکل نهایی آن در قرن هفدهم و هجدهم با پذیرش نظریه نماینده‌سالاری و ایجاد رژیم‌های نماینده‌ای و متعاقب ظهور نظریه حاکمیت ملی انجام پذیرفت. انقلابیون اروپا با رد فلسفه

3. Ibid.

حاکمیت مردم که از سوی روسو و همفکران وی ارائه شده بود و گراییدن به اصل حاکمیت ملی طبعاً به سوی اعمال غیرمستقیم قدرت توسط مردم کشیده شدند.^۴

د مورد اصول حاکمیت سیاسی در انگلستان می‌توان گفت بریتانیا نظامی یکپارچه است و دارای نظام حقوقی کامن‌لاست که آن را از نظام سیاسی سایر کشورها متمایز می‌کند. کامن‌لا توسط قضات (رویه قضایی) ایجاد شده است و به صورت مکتوب نیست بلکه به صورت مجموعه‌ای از اصول و مفاهیم است. رابطه کامن‌لا با قانون اساسی این است که کامن‌لا متکی به رسوم و عرف است که در اثر اجرای عملی ایجاد شده است. بنابراین برخی از اصول قانون اساسی مدون و برخی غیرمدون هستند، قوانین مصوب پارلمان در حکم قانون اساسی هستند، لیکن اسناد مهم حقوقی و تاریخی انگلستان مانند منشور کبیر، اعلامیه حقوق و منشور حقوق بشر دارای شأن قانون اساسی هستند. بر این اساس اصول بنیادین حاکم در انگلستان عبارت‌اند از دموکراسی، حاکمیت پارلمان و حاکمیت قانون.

امروزه سیستم انتخاباتی انگلیس سیستم اف.پی.تی.پی.^۵ می‌باشد بر اساس این سیستم برای انتخاب شدن اختلاف یک رأی کافی است و همین مسئله موجب بروز انتقاداتی شده است. این فرمول برای تمام انتخاب‌ها در انگلیس به کار گرفته می‌شود. این سیستم از سال ۱۸۸۵ تاکنون در انگلیس به کار گرفته شده است.

در این کشور رسیدگی به دعاوی انتخاباتی با دادگاه ویژه‌ای متشکل از دو قاضی دیوان عالی بدون حضور هیئت منصفه است. این دادگاه می‌تواند از کاندیدا سلب صلاحیت کند، آراء را بررسی کند، نتایج انتخابات را اعلام کند یا خواستار برگزاری انتخابات جدید شود. دلایل اعتراض در انتخابات به طور کلی سه مورد است: اول، خطای یک مقام انتخاباتی که نتیجه را تغییر دهد؛ دوم، اعمال فاسد یا غیرقانونی که توسط یک نامزد یا نماینده وی اعمال شده‌اند. مدت سلب صلاحیت برای ارتکاب جرم فساد، ۳۱ سال و برای عمل غیرقانونی، پنج سال در یک حوزه انتخاباتی خاص است. این نکته لازم به ذکر است که اعمال غیرقانونی که بدون سوءنیت باشند را می‌توان نادیده گرفت. اعمال فاسد شامل عدم گفتن حقایق، تهدید و ارباب رأی‌دهندگان یا صرف مخارج بیش‌ازحد است. اعمال غیرقانونی شامل نقض الزامات قانونی مختلف مربوط به نوشته‌ها، تبلیغات، پخش رسانه‌ای و مسائل دیگر است؛ و سوم اینکه کاندیدای انتخاب‌شده اصلاً صلاحیت نداشته باشد. هم

۴. ابوالفضل قاضی، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی (تهران: نشر میزان، ۱۳۸۳)، ۵۷۸.

5. First Past the Post

نامزدهای انتخاباتی و هم رأی‌دهنده می‌توانند ظرف ۲۳ روز از تاریخ انتخابات به دادگاه شکایت کنند و تصمیم دادگاه به‌صورت گزارش به رئیس پارلمان تقدیم می‌شود که مجلس طبق قانون موظف به پذیرش آن است.^۶ همچنین این دادگاه انتخاباتی پس از اتخاذ تصمیم منحل می‌شود و از تصمیم آن نمی‌توان تقاضای تجدیدنظرخواهی نمود.^۷

بنابراین اتفاق نظر بر این است که بالاخره در فرایند رسیدگی به مخاصمات باید مرجعی به‌عنوان نهاد فیصله‌دهنده وجود داشته باشد تا سلسله رسیدگی‌ها را در جایی که روح عدالت سیراب شود، متوقف کند؛ اما نکات بسیاری درباره خود نهادهای فیصله‌دهنده، در دسترس بودن و هزینه‌های طرح دعوا، سازکار رسیدگی، اعتبار حقوقی نظریات صادره و ... وجود دارد.^۸

۲- اصول بین‌المللی حاکم بر حل و فصل دعوای انتخاباتی

درخصوص حداقل استانداردهای انتخابات در حقوق و رویه بین‌المللی باید گفت در حقوق و رویه بین‌المللی معیارها و استانداردهایی مقرر شده است که رعایت این معیارها یک انتخابات را به سمت انتخاباتی آزاد و منصفانه که مردم سهم واقعی در مشارکت فعالانه آن دارند، سوق خواهد داد. این معیارهای چندگانه عبارت‌اند از قوانین و نظام‌های انتخاباتی، تعیین حوزه‌های انتخاباتی، مدیریت انتخابات، انتخابات ادواری، گزینش‌های معنادار نامزدها، احزاب سیاسی و سازمان‌های سیاسی، آزادی شناخت گزینه‌ها، حق رأی همگانی، ارزش برابر آراء، ثبت نام رأی‌دهندگان، آموزش مدنی و اطلاع‌رسانی و آگاهی دادن به رأی‌دهنده، مبارزات انتخاباتی، ثبت آزادانه گزینش‌ها، نظارت بر نتایج انتخابات و حل و فصل دعوای انتخاباتی.^۹

هر نظام انتخاباتی آزاد و منصفانه نه فقط به ثبت نام رأی‌دهندگان، مبارزات انتخاباتی آزاد، نظارت و مخفی بودن برگه‌های رأی اکتفاء دارد، بلکه باید توانایی رسیدگی فوری به انواع شکایاتی را داشته باشد که ناگزیر مطرح می‌گردند. این شکایات ممکن است شامل ممانعت از

۶. محمد هاشمی و اعظم عدالت‌جو، «مطالعه تطبیقی نظارت بر انتخابات پارلمان در ایران و انگلستان»، *فصلنامه تحقیقات حقوقی آزاد* ۱۱ (بهار ۱۳۹۰)، ۲۳۱.

۷. حسین علایی، «مطالعه تطبیقی اصول حاکم بر انتخابات دموکراتیک در حقوق ایران، آمریکا و انگلیس»، (رساله برای دریافت دکتری حقوق عمومی، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، ۱۳۹۴)، ۲۸۱.

۸. لویی فاورو، *دادگاه‌های قانون اساسی*، ترجمه علی‌اکبر گرجی (تهران: انتشارات جنگل، ۱۳۸۸)، چاپ دوم، ۶۷.

۹. آستین رنی، *حکومت، آشنایی با علم سیاست* (تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۴)، ۲۲۷.

۱۰. گای اس گودوین گیل، *انتخابات آزاد و منصفانه در حقوق و رویه بین‌المللی*. ترجمه سید جمال سیفی و سید قاسم زمانی (تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهردانش، ۱۳۸۶)، ۱۳۱.

حق نامزد شدن یا رأی دادن، تفاسیر نابه‌جای قوانین یا آیین‌های انتخاباتی، نقض‌های ادعایی قانون جزا، اختلافات راجع به دقت و صحت شمارش آراء و یا ادعای بی‌اعتباری انتخابات به‌علت کثرت چنین بی‌نظمی‌هایی باشد. آنچه عموماً مطرح می‌گردد یا اعتبار نتیجه انتخابات است یا مجازات افرادی که قوانین انتخاباتی را نقض کرده‌اند. حق جبران نقض حقوق بشر خود یکی از مصادیق حقوق بشر است؛ مضافاً بر آنکه اعمال مجازات علیه افراد ناقض قوانین انتخاباتی در هر نظام اجرایی کارآمد، لازم و ضروری است. صحت و درستی این نظام نه فقط مستلزم آن است که این مسائل توسط مرجعی مستقل و بی‌طرف (مثل کمیسیون انتخابات یا دادگاه‌ها) مورد رسیدگی قرار گیرد بلکه باید تصمیمات آن مرجع از جهت زمانی به‌نحوی اخذ شود که در اعلام نتیجه انتخابات وقفه ایجاد نشود. درمورد دیگر جنبه‌های جریان انتخابات نیز باید این آیین‌ها برای انتخاب‌کنندگان و احزاب قابل دسترسی باشد.^{۱۱}

مؤسسه بین‌المللی پشتیبانی از دموکراسی و انتخابات^{۱۲}، کمیسیون و نیز شورای اروپا، سازمان امنیت و همکاری در دفتر اروپا برای نهادهای دموکراتیک و حقوق بشر برای توسعه اصول اساسی و الزامات برگزاری انتخابات فعالیت می‌کنند. این اصول بر اهمیت امکان ادعای تردید در انتخابات و حقوق پاسخ‌دهنده به‌عنوان ابزاری برای تضمین آزادی بیان و خواست و اراده مردم تأکید می‌کنند.

سند سازمان امنیت و همکاری اروپا^{۱۳} مربوط به سال ۱۹۹۰ در کپنهاگ که می‌توان آن را جامع‌ترین سند بین‌المللی مربوط به انتخابات «آزاد و منصفانه» دانست، به‌طور مستقیم به دعاوی انتخاباتی اشاره نمی‌کند. با این حال، تعهدات انتخاباتی این سند بدون وجود قدرتی برای اعمال آنها وعده‌هایی پوچ خواهند بود. برای نمونه، اگر به‌موجب قانون حق اقامه دادرسی برای استیفای حق رأی تضمین نشده باشد، حق رأی تنها مفهومی مجرد باقی خواهد ماند و حقوق مرتبط با انتخابات بدون حمایت قانون ارزش چندانی نخواهند داشت. وانگهی، هیچ نظام عادلانه و معتبری برای حل و فصل دعاوی انتخاباتی متصور نیست مگر آنکه ملزومات یک نهاد قضایی مستقل و نیز رعایت تشریفات الزامی قانون به‌موجب قانون و در عمل تضمین شده باشد. این موارد شامل حق دادرسی عادلانه، حق جبران اثربخش زیان‌ها و دسترسی به محاکم مستقل نیز می‌شود. این قواعد و حقوق رکن اساسی یک نظام برای

۱۱. همان، ۱۳۲-۱۳۱.

12. The International Institute for Democracy and Electoral Assistance (IDEA)

13. Commission on Security and Cooperation in Europe (CSCE)

تضمین حاکمیت قانون هستند. با این حال، در حوزه حل و فصل دعاوی انتخاباتی از آنجا که نهادهای فراقضایی در این امر دخالت دارند سیستم خاصی برای اجرای قانون لازم است.^{۱۴} با این همه این امر مستلزم معیارهایی بخصوص نیست تا همه نظام‌های حل و فصل دعاوی انتخاباتی موظف به رعایت آن باشند. این واقعیت که حق تعقیب مقامات مربوطه برای استیفای کلیه حقوق مرتبط با رأی‌دهی از نفس انتخابات استنباط می‌شود، می‌تواند معیاری برای کارآمدی نظام باشد، اما شیوه‌ها و ابزارهایی که پیشرفت در جهت این معیار را بسنجند، به دقت مشخص نیستند. در اسناد مختلف بین‌المللی می‌توان قرائنی یافت که متکی بر هنجارهای فعلی هستند اما تعمیم این موارد، بدان گونه که ظرایف خاص امر حل و فصل دعاوی انتخاباتی لحاظ شوند، دشوار است. هیچ‌یک از این اسناد به مرتبه یک معاهده‌نامه نرسیده‌اند اما با توجه به اهمیت تعیین معیارها، به‌ویژه در مسئله انتخابات، این اسناد ممکن است سرانجام در پیدایش سندی سامان‌یافته نقش ایفاء کنند.^{۱۵}

مؤسسه بین‌المللی پشتیبانی از دموکراسی و انتخابات، نظارت انتخاباتی را به‌عنوان گردآوری هدفمند اطلاعات مربوط به فرایندهای انتخاباتی و فراهم کردن قضاوتی آگاهانه درباره فرایند مزبور بر مبنای اطلاعات گردآوری‌شده، تعریف می‌کند.

تعریف فرایندگرایی مؤسسه بین‌المللی پشتیبانی از دموکراسی و انتخابات، یکی از عمده‌ترین اهداف نظارت انتخاباتی را روشن می‌کند. قانونی کردن فرایند انتخاباتی و قضاوت آگاهانه، اشاره به این موضوع دارد، اگرچه فرایند انتخاباتی، نسبتاً و یا منطقی‌آزاد و منصفانه بوده است، اما از آراء و نظرات عمومی استفاده شده است و یا بیانگر خواسته‌های مردم است. در مناطقی که رأی‌دهندگان به برگزارکنندگان اعتماد ندارند یک قضاوت خارجی و قابل احترام، سودمند است. در بعضی موارد، انتخابات آزاد و منصفانه، شرط ضروری مقبولیت بین‌المللی و به رسمیت شناخته شدن و محترم بودن یک رژیم حکومتی است. جدا از رژیم حکومتی، سازمان‌های سیاسی بین‌المللی و سازمان‌های حمایتی بین‌المللی و بازیگران دیگر، می‌توانند اهداف متفاوتی از نظارت انتخاباتی داشته باشند. بنابراین فعالیت‌های سازمان ملل متحد از سال ۱۹۴۸، فعالیت‌های سازمان کشورهای قاره آمریکا از دهه ۱۹۶۰، فعالیت‌های کشورهای مشترک‌المنافع، فعالیت‌های مؤسسات اروپایی از دهه نود، فعالیت سازمان‌های

14. Petit, "Resolving Election Disputes in the OSCE Area," op.cit. 6.

15. Ibid.

بین‌المللی غیردولتی از ۱۹۸۳ پاسخی درخور به دغدغه‌ها و مشکلات احتمالی در مقوله نظارت بر انتخابات جهت ایجاد و تقویت فعالیت‌های دموکراتیک است. دستورالعمل‌هایی که مؤسسه بین‌المللی پشتیبانی از دموکراسی و انتخابات مقرر کرده است، بیان می‌دارند که:

۱- چهارچوب قانونی باید تضمین کند که هر رأی‌دهنده، نامزد و حزب سیاسی، زمانی که ادعا می‌شود یک نقض حقوق انتخاباتی رخ داده است، حق اقامه شکایت به رکن انتخاباتی و یا دادگاه صالح را دارد؛

۲- قانون باید الزام نماید که رکن انتخاباتی صالح و یا دادگاه برای اینکه حزب مدعی نقض، حق انتخاباتی خود را از دست ندهد، تصمیمی فوری اتخاذ کند؛

۳- قانون باید حق درخواست تجدیدنظر به رکن و یا دادگاه انتخاباتی بالاتر صالح با اختیار بررسی و اعمال صلاحیت نهایی در این موضوع را در نظر بگیرد. تصمیم دادگاه عالی باید فوراً صادر شود؛

۴- در چهارچوب قانون باید مهلت مناسبی را برای بررسی و تصمیم شکایت و اطلاع تصمیم، برای شاکی پیش‌بینی نماید.^{۱۶}

کمیسیون ونیز برای عملکرد درست در مسائل انتخاباتی، مجموعه‌ای از اصول اصلی را تنظیم کرده که باید بر هر فرایندی که نتیجه انتخابات را به چالش می‌کشد، حاکم باشند. به‌عنوان مثال در آغاز، این کد بیان می‌کند که قصور یا کوتاهی در تطابق انتخابات با قانون باید نزد یک رکن پژوهش‌خواهی، قابل اعتراض باشد. همچنین این کد، دو راه‌حل برای این فرایند مطرح می‌کند:

۱- تجدیدنظر ممکن است توسط دادگاه عادی، دادگاهی ویژه و یا دادگاه قانون اساسی رسیدگی شود؛

۲- و یا تجدیدنظر ممکن است توسط یک کمیسیون انتخاباتی انجام شود ... این کمیسیون‌ها بسیار تخصصی هستند درحالی‌که دادگاه‌ها به‌نظر می‌رسد در موضوعات انتخاباتی کم‌تجربه‌تر باشند. البته برای احتیاط، مطلوب‌تر می‌نماید که نوعی از نظارت قضایی در این مورد وجود داشته باشد که در این صورت کمیسیون مرحله نخستین و دادگاه صالح در سطح بالاتر رسیدگی قرار می‌گیرند.

16. "Challenging Elections in the UK, (2012, September)," Electoral Commission, Last Accessed January 6, 2017, <https://www.electoralcommission.org.uk/media/4005>.

کد کمیسیون ونیز در مورد زمان توصیه می‌نماید که تصمیمات در مورد نتایج انتخابات نباید خیلی به طول بینجامد؛ این موضوع به دو معناست که محدوده زمانی برای تجدیدنظر باید بسیار کوتاه باشد و همچنین باید برای امکان درخواست تجدیدنظر در راستای تضمین اجرای حق دفاع و تصمیم اتخاذی، کافی باشد.

این کد همچنین بر ساده بودن این فرایند و حذف تشریفات و اجتناب از تصمیمات ناروا به‌ویژه در پرونده‌های حساس سیاسی اشاره دارد. همچنین فرایند تجدیدنظر و اختیارات و مسئولیت‌های نهادهای مختلف درگیر، باید به‌منظور جلوگیری از هرگونه تعارض در صلاحیت، به‌وضوح توسط قانون تنظیم شوند. کد ونیز همچنین بیان می‌کند که نهاد تجدیدنظر، در صورت وقوع تخلفی که بر نتیجه انتخابات یعنی توزیع کرسی‌ها، تأثیر داشته است باید اختیار ابطال انتخابات را داشته باشد.

طبق اعلامیه دفتر بنیادهای دموکراتیک و حقوق بشر^{۱۷}، حل اختلافات انتخاباتی شامل اصول زیر است:

- ۱- هر فرد و حزب سیاسی از حق حمایت قانون و جبران خسارت برای نقض حقوق سیاسی و انتخاباتی برخوردار است؛
- ۲- هر فرد یا حزب سیاسی که حق نامزد، حزب و یا مبارزه آن، نقض و یا محدود شده است حق اقامه دعوی در دادگاه صالح را دارد؛
- ۳- جایی که نقضی یافت شود، مرجع صالح در حیطه صلاحیت مناسب، شیوه‌ای سریع در چهارچوب زمانی روند انتخابات برای جبران، ارائه خواهد کرد؛
- ۴- اثربخشی، بی‌طرفی و استقلال قوه قضائیه از نهادهای انتخاباتی، پیش‌شرط ضروری برای رسیدگی به اختلافات انتخاباتی در انطباق با استانداردهای بین‌المللی پذیرفته شده می‌باشد؛
- ۵- تصمیماتی که مقامات مستقل و بی‌طرف که مسئول نظارت بر برگزاری انتخابات هستند، اتخاذ می‌نمایند از جمله آماده‌سازی و بازنگری دوره‌ای فهرست رأی‌دهندگان، باید مشمول تجدیدنظر یک مقام قضایی و مستقل بی‌طرف واقع شوند؛
- ۶- فرایند شکایت باید شفاف و به‌راحتی قابل فهم باشد. کمپین‌های آموزش مدنی باید شامل اطلاعاتی درباره روش شکایت باشند.^{۱۸}

17. Office for Democratic Institutions and Human Rights (ODIHR)

18. "Challenging Elections in the UK," Electoral Commission, op.cit. 10-11.

سند پیش‌نویس اصول کلی آزادی و عدم تبعیض در حقوق سیاسی^{۱۹} که سند غیرالزام‌آور سازمان ملل و مصوب سال ۱۹۶۲ است، برای نخستین بار قدرت اعمال کلیه حقوق رأی‌دهی را با تقریر این امر که هر فرد زبان‌دیده واجد حق مطالبه جبران در محاکم مستقل و بی‌طرف خواهد بود، به رسمیت می‌شناسد.^{۲۰} همچنین مقرر می‌دارد که تصمیمات کمیسیون‌های انتخاباتی باید در دادگاه‌ها یا دیگر نهادهای مستقل و بی‌طرف قابل تجدیدنظر باشند.^{۲۱} متن دیگری در سازمان ملل به نام «چهارچوب تلاش‌های آتی» مصوب سال ۱۹۸۹ از «نهادهای ملی» می‌خواهد که حق رأی همگانی و برابر و انتخابات بی‌طرفانه را از طریق صیانت از شیوه‌های حل‌وفصل دعاوی انتخاباتی تضمین کنند.

متون اصلی در دیگر سازمان‌های بین‌المللی، تضمین‌های حداقلی لازم برای حصول اطمینان از حفظ حقوق سیاسی و انتخاباتی را خلاصه کرده‌اند. «اعلامیه معیارهای انتخابات آزاد و منصفانه» حاصل کار شورای بین‌المجالس مصوب سال ۱۹۹۴ معنای اختیار «احقاق حق در برابر نقض حقوق سیاسی و انتخاباتی» را با گنجاندن اشاراتی به نقض حقوق کاندیداها، احزاب و مبارزات انتخاباتی گسترش می‌دهد. به‌علاوه نیاز به اتخاذ تصمیمات فوری «در طول روند انتخابات» را نیز مورد اشاره قرار می‌دهد (۴،۶ و ۴،۸). برخلاف سند سازمان ملل، این سند مسئولیت حل‌وفصل دعاوی انتخاباتی را برعهده کمیسیون‌های انتخاباتی می‌گذارد (۵،۹). تا اینجا، این اعلامیه قطعاً دقیق‌ترین و صحیح‌ترین متن موجود در حوزه حل‌وفصل دعاوی انتخاباتی است.^{۲۲}

بنابراین از میان اصولی که در این اسناد تشریح شده‌اند، دو مؤلفه عمده را می‌توان متمایز کرد:

- ۱- حق هر فرد یا هر حزب سیاسی نسبت به مطالبه احقاق حق در برابر نقض حقوق سیاسی و انتخاباتی، از جمله حق رأی دادن و حق نام‌نویسی به‌عنوان رأی‌دهنده و نیز حقوق کاندیدا شدن، حقوق حزبی و حقوق مبارزات انتخاباتی؛
- ۲- مسئولیت دولت‌ها نسبت به تضمین این امر که شکایات مرتبط با روند انتخابات فوراً در دوره زمانی فرایند انتخابات و به‌طور مؤثر از طریق مرجعی مستقل و بی‌طرف همچون کمیسیون انتخابات یا دادگاه‌ها مختومه شوند.

19. The Draft General Principles on Freedom and Non-Discrimination in the Matter of Political Rights

.۲۰. نک: بند XIX.

.۲۱. نک: بند VIII.

22. Petit, "Resolving Election Disputes in the OSCE Area," op.cit. 6-7.

به‌طور کلی در عمل، ارزیابی شیوه‌ای که از راه آن دعاوی انتخاباتی حل‌وفصل می‌شوند و سنجش سطح انطباق این شیوه‌ها با حداقلی از معیارهای معین، مستلزم وزن‌دهی به عناصر کلیدی زیر است:

۱- صلاحیت قضایی: این مسئله در کشورهایی که دادگاه‌ها و کمیسیون‌های انتخاباتی وظیفه حل‌وفصل دعاوی انتخاباتی را به‌طور مشترک برعهده دارند یکی از موضوعات اصلی است. شروط و مقررات مبهم یا ناقص در قانون انتخابات یا دیگر قوانین هنجاری ممکن است مسبب سردرگمی نسبت به صلاحیت دادگاه‌ها و کمیسیون‌های انتخاباتی به‌منظور رسیدگی به دعاوی انتخاباتی شود. در انتخابات اخیر در حوزه سازمان امنیت و همکاری اروپا، این امر فرصتی فراهم کرد تا طرفین برای حصول نتیجه مطلوب به جستجوی مساعدترین مرجع رسیدگی از میان دادگاه‌ها و کمیسیون‌های انتخاباتی بپردازند که همین مسئله منجر به حدوث مانع و وقوع تأخیر در فرایند برگماشتن کاندیداهای منتخب شده است.

۲- بموقع بودن: قانون انتخابات باید حل‌وفصل دعاوی را در یک بازه زمانی که متناسب با روند انتخابات است، تضمین کند. حصول اطمینان از این امر که نتیجه انتخابات به تأخیر نخواهد افتاد، حائز اهمیت است. این قضیه به‌طور ضمنی به این معناست که فاصله زمانی میان تنظیم شکایت و رسیدگی به آن بسیار کوتاه است. این الزام به‌خودی‌خود برای نظام‌های قضایی مشکل‌ساز خواهد بود و مستلزم ملاحظاتی جدی در خصوص کارایی نظام قضایی و رابطه دادگاه‌ها با نهاد اجرایی انتخابات است.

۳- اعمال حق: اجرای صحیح و بموقع تصمیمات اتخاذشده از سوی دادگاه‌ها و نهادهای انتخاباتی مسئله‌ای مهم در زمینه کارایی نظام حل‌وفصل دعاوی انتخاباتی است. هرچه نهاد اجرایی انتخابات در حل‌وفصل دعاوی دخالت بیشتری داشته باشد، امر اعمال حق، اهمیت بیشتری می‌یابد. برای مثال، واگذاری قدرت تصمیم‌گیری نهایی در مورد دعاوی به عالی‌ترین نهاد انتخاباتی بدون وجود شیوه‌ها و ابزارهایی مؤثر برای اجرای آنها و انجام اقدامات اصلاحی بی‌معنا خواهد بود. این امر مسئله نقش محو شده به نهادهای اجرای قانون در روند انتخابات را پیش می‌آورد. در اغلب موارد، قوه مقتنه برای عدم رعایت قانون از جانب نهادهای دولتی، رسانه‌های جمعی و مقامات رسمی که کمیسیون‌های انتخاباتی قدرت و نفوذی بر آنها ندارند، ضمانت‌اجرای کافی در نظر

نمی‌گیرد، درحالی‌که مجازات‌هایی مانند امکان تعلیق یا لغو مجوز حزب یا رد صلاحیت کاندیدها زمینه سوءاستفاده را فراهم می‌کنند.

۴- **تعقیب کیفری:** اخلال در روند انتخابات می‌تواند موجب تعقیب کیفری شود و ممکن است به مجازات‌های کیفری اعم از جریمه و حبس که تنها در صلاحیت قضایی دادگاه‌هاست، منجر شود. جرایم انتخاباتی و مجازات‌های قانونی در صورت ارتکاب این جرایم باید به‌صراحت در قوانین کیفری مطرح شود. تعقیب کیفری و اقدامات اجرایی مقامات انتخاباتی برای رفع مشکل را می‌توان به موازات یکدیگر به کار گرفت. همچنین، توجه به این مسئله که در چه مواردی برای احقاق حق در دعوای مطروحه تعقیب کیفری روشی مناسب خواهد بود، از اهمیت بسزائی برخوردار است. به‌طور خاص، انجام تحقیقات جنایی از سوی نهادهای اجرای قانون یا وزارتخانه‌های مربوطه باید به‌صورتی انجام شود که احتمال تبدیل این تحقیقات به عاملی تعیین‌کننده در انتخابات را خنثی کند یا به حداقل برساند.^{۲۳}

بخشی از فرایند پیشگیری و رسیدگی به شکایات مستلزم مسائلی از جمله مراقبت و جدول‌بندی موازی آراء است. از نظر شکلی آنچه مهم است خود مجازات نیست، بلکه مناسب بودن زمان پاسخگویی است. برای مثال در موارد خشونت یا تهدید و ارباب لازم است فوراً واکنش نشان داده شود تا استمرار مزاحمت به اساس آزادی حق انتخاب خدشه وارد نکند. مع‌ذک نظام‌های ملی نیز باید درصدد آن باشند که در اسرع وقت به رفع اشتباهات شکلی بپردازند. استقرار حکومت منتخب مردم و تأمین منافع ملی عموماً در گرو حل سریع مسائلی است که بالقوه حیاتی و سرنوشت‌ساز هستند.^{۲۴}

۳- انطباق فرایند حل و فصل اختلافات انتخاباتی انگلستان با اصول

بین‌المللی

با عنایت به مطالبی که در بخش اصول اساسی بین‌المللی در به چالش کشیدن نتیجه انتخابات مطرح شد، معیارهای ارزیابی فرایند دادرسی انتخاباتی در انگلستان را می‌توان این‌گونه خلاصه کرد:

23. Petit, "Resolving Election Disputes in the OSCE Area," op.cit. 7-8.

۲۴. گودوین اس، پیشین، ۱۳۳-۱۳۲.

۳-۱- دسترسی پذیری

قانون انتخابات باید زمینه‌هایی را که بر اساس آنها می‌توان نتیجه انتخابات را به چالش کشید، به‌وضوح بیان کند. لازم است زمان کافی برای طرح دعوی به‌منظور جمع‌آوری شواهد و مدارک لازم برای رقیب در نظر گرفته شود. این زمان باید درمقابل ضرورت تعیین هرچه سریع‌تر نتیجه اعتبار انتخابات، زمان متعادلی باشد. همچنین فرایند به چالش کشیدن انتخابات باید شفاف، قابل فهم و به دور از تشریفات ناروا باشد. کسانی که قصد این اقدام را دارند باید از این حق خود و اطلاعات لازم درباره آن آگاهی داشته باشند. سازکارهای حل و فصل اختلافات انتخابات باید توسط بدنه‌ای سازمان‌یافته از قانون و ترجیحاً در فصل یا بخشی مجزا از قوانین اداره شوند.^{۲۵}

یکی از فاکتورهای سنجش قابلیت دسترسی فرایند طرح دعوی در نظام انتخاباتی، بررسی افراد مجاز به ارائه دادخواست می‌باشد.

۳-۱-۱- نامزدها و رأی‌دهندگان

نظام‌های گوناگون رسیدگی به دعاوی انتخاباتی مقررات متفاوتی دارند راجع به اینکه اشخاص یا نهادها، به‌طور مثال احزاب سیاسی، نامزدها، رأی‌دهندگان، شهروندان، مقامات، ناظرین، رسانه‌ها و غیره می‌توانند علیه اقدامات و یا تشریفات انتخاباتی اعتراض کنند که آنها را تحت تأثیر قرار داده است. بسیار مهم است که نظام رسیدگی به دعاوی انتخاباتی به هر شخصی اجازه بدهد تا به‌عنوان حقی بنیادین علیه یک تصمیم یا اقدام انتخاباتی که وی را متضرر کرده است، اعتراض کند. عملاً همه نظام‌های رسیدگی به دعاوی انتخاباتی تا جایی که ممکن است به رأی‌دهندگان و بعضی کشورها نیز به احزاب سیاسی و نامزدها و حتی مدعی‌العموم یا دادستان انتخاباتی، اجازه طرح اعتراض می‌دهند.^{۲۶}

دادخواست انتخاباتی در انگلستان می‌تواند توسط یک رأی‌دهنده یا نامزد انتخابات مطرح شود و همیشه کاندیداها نیستند که دادخواست ارائه می‌دهند بلکه در انتخابات پارلمانی یک رأی‌دهنده و در انتخابات محلی اگر حداقل چهار رأی‌دهنده به این توافق برسند، ممکن است انتخابات را به چالش بکشند؛ البته دلیل تفاوت مشخص نیست؛ اگر یک رأی‌دهنده شکایتی

25. "Challenging Elections in the UK," Electoral Commission, op.cit. 12.

۲۶. خسوس اوروسکو انریکه و دیگران، *دائرسای انتخاباتی*. ترجمه اسداله یآوری و دیگران (تهران: نشر میزان،

قانونی مطابق زمینه‌های مجاز برای ارائه دادخواست دارد چرا باید رسیدگی تابع متقاعد کردن سه نفر دیگر برای حمایت از دادخواست باشد.^{۲۷}

بنابراین سیستم بریتانیا با این اصل که نامزدها و رأی‌دهندگان باید قادر به چالش کشیدن انتخابات باشند، سازگار است. البته ممکن است ادعا شود که محدود کردن اقامه دعوی به این دو دسته از اشخاص، اجازه نمی‌دهد همه شکایات قانونی بررسی شوند و ارائه دادخواست در دسترس همگان باشد.

اما محدودیت‌هایی نظیر لزوم ارائه دادخواست تنها توسط افراد (رأی‌دهندگان و یا نامزدها) و اینکه نامزد موفق، مخاطب و پاسخگو قرار می‌گیرد (همچنین الزام به ارائه و تحویل دادن فرم‌های متعدد دادگاه و پرداخت هزینه و ضامن به دادگاه) روند دادخواست را بسیار شبیه به اقدام قانونی خصوصی ساخته است؛ این امر ممکن است ناشی از دوره‌ای باشد که در آن قانون دادخواست انتخاباتی تأسیس شده است؛ چراکه در دهه ۱۸۶۰ مشاغل انتخابی بیشتر یک تلاش فردی بودند و کرسی‌ها گاهی از پدر به پسر مانند یک حق مالکیت منتقل می‌شدند. با وجود اینکه ماهیت انتخابات به‌طور قابل‌توجهی از سال ۱۸۶۰ تغییر کرده است و در انتخابات درحال حاضر به‌طور معمول احزاب به‌جای افراد به مبارزه انتخاباتی می‌پردازند اما هنوز ویژگی‌های اساسی و ساختار قانون پیشرفت نکرده است و دعاوی انتخابات هنوز یک موضوع خصوصی باقی مانده است و خصوصاً در نظر گرفتن این فرایند برای انتخابات مدرن ناخوشایند و ناکافی است؛ چراکه انداختن بار شروع دادخواست تنها بر روی دوش افراد، عادلانه به‌نظر نمی‌رسد^{۲۸}؛ بنابراین به‌نظر می‌رسد تغییراتی لازم است که اجازه دهد شکایات توسط افراد و سازمان‌های دیگر نیز ارائه شوند.

۳-۱-۲- سرپرست انتخابات

سرپرست انتخابات در انگلستان قادر به شکایت درمورد انتخابات نمی‌باشند، حتی اگر این سرپرست از وقوع تخلف مؤثر در نتیجه انتخابات آگاهی داشته باشد، مگر اینکه یک نامزد و یا رأی‌دهنده، ریسک و مسئولیت ارائه شکایت را بپذیرد، لذا ممکن است که این تخلف مورد بررسی قرار نگرفته و انتخابات به‌طور صحیح برگزار نشود؛ بنابراین به‌نظر می‌رسد دلیلی

27. "Challenging Elections in the UK," Electoral Commission, op.cit. 14.

28. "Challenging Elections in the UK," Electoral Commission, op.cit. 14-15.

قوی وجود دارد برای دادن امکان به سرپرست انتخابات در اعلام وقوع تخلفی آشکار و یا امکان ارائه شکایت از سوی آنها.

۳-۱-۳- احزاب سیاسی

بسیاری از شکایات را احزابی که از نامزد خود حمایت مالی و قانونی می‌نمایند، مطرح می‌کنند؛ اما در انگلیس احزاب سیاسی نمی‌توانند طرح شکایت کنند و به‌نظر می‌رسد این امر با اصول اعلام‌شده توسط مؤسسه بین‌المللی پشتیبانی از دموکراسی و انتخابات (بند ۱۹) ناسازگار است چراکه هر حزب سیاسی باید همانند کشورهایمانند نیوزیلند و پرتغال، قادر به طرح شکایت در دادگاه مرکزی انتخابات یا دادگاه باشد و زمانی این موضوع اثرگذار و آسان‌تر است که احزاب بتوانند مستقیماً و نه از طریق نامزد خود، طرح دعوی کنند چراکه هزینه طرح شکایت بسیار بالاست و حتی گاهی احزاب سیاسی بزرگ هم از چنین پرداختی گریزان‌اند.^{۲۹}

۳-۱-۴- ناظر مستقل انتخاباتی

برخی نیز پیشنهاد کرده‌اند که کمیسیون انتخاباتی بریتانیا باید حق طرح دعوی را داشته باشد. در استرالیا نیز کمیسیون انتخاباتی حق طرح شکایت به ابتکار خود را داراست و هزینه را خود کمیسیون پرداخت می‌نماید. رویه‌ای نیز در انگلستان درمورد تشکیلات مستقل برای اقامه وجود دارد تا در موضوعات مربوط به حوزه صلاحیت قانونی خود اقدام حقوقی انجام دهند. به‌عنوان مثال کمیسیون برابری و حقوق بشر در موضوعاتی که به‌نظر می‌رسد مربوط به عملکرد کمیسیون می‌باشد، قادر به تشکیل و یا مداخله در پرونده‌های حقوقی است، چه برای بررسی قضایی و چه غیر از آن.^{۳۰}

بنابراین نظام حاکم بر بریتانیا، با انتظارات سازمان‌های بین‌المللی در امکان طرح دعوا و شکایت درمورد نتیجه انتخابات، سازگاری دارد؛ اما این حق را به فراتر از این دو گروه نداده است و در این مورد می‌تواند از نظر استانداردهای بین‌المللی موردانتقاد واقع گردد؛ چراکه باتوجه‌به هزینه‌های بالای طرح این دعوی و نیز دشواری راه ایجاب می‌کند این امکان برای احزاب و یا کمیسیون انتخاباتی نیز فراهم گردد.

29. "Challenging Elections in the UK," Electoral Commission, op.cit. 15-16.

30. Ibid.

۳-۲- شفافیت

در معیارهای سنجش بیان کردیم که یک قانون انتخاباتی باید زمینه‌ها و دلایلی که می‌تواند موجب شکایت از نتیجه انتخابات شود را به‌طور واضح و شفاف بیان نماید.

سازمان امنیت و همکاری اروپا نیز اظهار داشته که «قانون انتخابات باید زمینه‌های شکایت و اعتراض را تعیین نماید». صلاحیت دادگاه انتخابات باید به‌طور شفاف در قانون مقرر شود تا متقاضیان در مقام مراجعه به قانون از دلایلی که می‌توان بر اساس آن نتیجه انتخابات را به چالش بکشند، اطمینان یابند.

این دلایل برای اقامه دعوی در قانون انگلستان به‌وضوح مشخص نشده است. بخش ۱۲۰(۱) قانون نمایندگی مردم (۱۹۸۳) بیان می‌کند: «هیچ انتخابات پارلمانی موردپرسش قرار نخواهد گرفت مگر به‌موجب شکایت درمورد نادرست بودن انتخابات ...» در صورتی که اصطلاحات به‌کاررفته در این قانون از قبیل انتخابات نادرست و ... به‌درستی تعریف نشده است و در نتیجه کمک چندانی به شخصی که به قانون مراجعه می‌کند، در تعیین دلایل شکایت از نتیجه انتخابات، نمی‌نماید.

در قانون انتخابات دولت محلی، راهنمایی اندکی در رابطه با دعاوی انتخاباتی ارائه شده است. در بخش ۱۲۷ قانون نمایندگی مردم ۱۹۸۳ آمده که یک انتخابات طبق قانون حکومت محلی، ممکن است به دلایلی مورددعوی قرار گیرد از قبیل اینکه فرد منتخب صلاحیت لازم را نداشته و یا از طریق انتخابات صحیح، انتخاب نشده باشد. همچنین این بخش مقرر کرده که انتخابات ممکن است به دلیل اقدامات فاسد و غیرقانونی در آن، به چالش کشیده شود. با وجود این، ممکن است شخصی که به قانون مراجعه کند، مصداق صحیح «عدم صلاحیت» و یا «اقدامات فاسد و غیرقانونی» را متوجه نشود و در معنای آنها دچار سردرگمی گردد و لازم است قانون مواردی که دعوی در این خصوص قابل‌پذیرش است را تعیین نماید تا شخصی که قصد اقامه دعوا در این مورد را دارد، قادر به ارزیابی باشد که آیا مواردی که وی ادعای وقوع آنها را دارد، موجب بی‌اعتبار کردن نتیجه انتخابات می‌شوند یا خیر؟^{۳۱}

این عدم شفافیت در قانون نمایندگی مردم درمورد زمینه‌های امکان طرح دعوی یک نقص واقعی در مقررات کنونی به حساب می‌آید. سیستمی که بار تشخیص زمینه‌ای شکایت

31. "Challenging Elections in the UK," Electoral Commission, op.cit. 17-18.

را بر متقاضیان تحمیل می‌کند، سیستم قابل قبولی نیست و کمیسیون، شفافیت در این زمینه را یک موضوع کلیدی برای اصلاحات دانسته است.

همچنین به دنبال تبیین شفافیت زمینه‌های طرح شکایت، باید توجه داشت که آیا زمینه‌های فعلی که در قانون پیش‌بینی شده است کافی است یا خیر؟ یکی از مواردی که ممکن است دلیل شکایت قرار نگیرد، خطا در مدیریت انتخابات است آن هم جایی که خطا در نتیجه انتخابات تأثیری ندارد. انتخابات پارلمانی و یا دولت محلی، نمی‌تواند به دلیل خطای ناظر انتخابات در انجام وظایف یا مأموریت خود و یا در ارتباط با قانون انتخابات، بی‌اعتبار تلقی شود اگر:

۱- انتخابات به‌طور چشمگیری طبق قانون انتخابات برگزار شود؛

۲- آن عمل نتیجه انتخابات را تحت تأثیر قرار ندهد.

جایی که خطاها در اجرای انتخابات، بر نتیجه اثر نداشته باشد، ابطال نتیجه انتخابات مناسب به نظر نمی‌رسد، اما می‌توان ادعا کرد که خطاهایی که ادعا می‌شود مجریان و ناظران انتخاباتی مرتکب شده‌اند باید مستقلاً مورد بررسی قرار گیرند. اعتماد عمومی نیز ایجاب می‌کند که خطاهای مقامات انتخابات شناسایی و مورد رسیدگی قرار گیرند و بدین ترتیب موجب بهبود انتخابات آینده گردد.

درباره شفافیت در مورد شرایط صلاحیت نامزد، برخی ادعا می‌کنند که در جایی که یک ناظر انتخاباتی معتقد است که یک نامزد در انتخابات دولت محلی صلاحیت ندارد، باید قبل از انتخابات مورد بررسی قرار گیرد به‌جای اینکه پس از انتخابات مورد شکایت قرار گیرد. عدم صلاحیت آشکار دلیلی بر بی‌اعتباری کاندیداتوری نامزد نمی‌باشد؛ بنابراین نامزدی ممکن است انتخاب شود که فاقد صلاحیت است. کمیسیون هم از موارد بسیاری اطلاع داده که در آنها کاندیداهایی که آشکارا فاقد صلاحیت بوده‌اند، انتخاب شده و هیچ شکایت و یا دادخواستی مطرح نشده است و این مسئله نارضایتی ناظران انتخاباتی را به دنبال داشته است.^{۳۲}

بنابراین قوانین انتخاباتی بریتانیا برخلاف توصیه‌های بین‌المللی زمینه‌های لازم برای طرح دعوی انتخاباتی را به‌طور شفاف مشخص نکرده‌اند و در این زمینه نیاز به شفافیت بیشتر در قوانین انتخاباتی می‌باشد.

32. "Challenging Elections in the UK," Electoral Commission, op.cit. 18-19.

۳-۳- زمان

«به دلیل اینکه لازم است نهادهای نمایندگی (مانند پارلمان) به شیوه‌ای زمان‌مند تجدید دوره شوند، گرایشی در کوتاه‌تر شدن دوره مبارزات انتخاباتی وجود دارد، چهارچوب زمانی برای طرح دعاوی انتخاباتی و رسیدگی به آنها خیلی کوتاه است»^{۳۳}؛ بنابراین دعاوی مربوط به انتخابات باید تا حد ممکن در اسرع وقت رسیدگی و حل شود. نامزدها و رأی‌دهندگان به اطمینان در نتیجه انتخابات نیاز دارند و تردید در مشروعیت اعضای مجلس قانونگذاری و شوراها نامطلوب است؛ بنابراین اقتضای عدالت طبیعی حل و فصل سریع اختلافات پس از وصول شکایت می‌باشد.

در کشورهای مختلف گستره وسیعی از چهارچوب‌های زمانی برای طرح دعاوی انتخاباتی وجود دارد و از ظرف دو روز شروع و طولانی‌ترین آن به سی روز می‌انجامد^{۳۴}؛ اما طبق اصول استاندارد در انتخابات با توجه به نیاز به جمع‌آوری دلایل و شواهد و مشاوره گرفتن، ضروری است که زمان کافی برای طرح دعوا در اختیار رقیب قرار گیرد و این زمان باید در تناسب با نیاز به اعلام اعتبار انتخابات در اسرع وقت، باشد.^{۳۵}

جز در برخی موارد استثناء مانند اخذ رشوه که زمان طولانی‌تری به آن اختصاص داده شده است، در انگلستان شکایات باید ظرف ۲۱ روز کاری از تاریخ گزارش و یا انتخابات مطرح شود. در این زمان علاوه بر اینکه ارائه فوری شکایت را تضمین می‌کند، شاکیان می‌توانند تمام شواهد لازم برای پرونده را جمع‌آوری کنند و آگاهانه تصمیم بگیرند که آیا ارزش طرح دعوی را دارد یا خیر؛ اما ممکن است شاکی بالقوه برای جمع‌آوری و انعکاس شواهد و انجام مشورت‌های لازم و همین‌طور تهیه پول برای هزینه دادخواست نیاز به دوره‌ای زمان داشته باشد و به نظر می‌رسد ۲۱ روز برای طرح دعوی کافی نباشد.

در این کشور زمانی اضافه (به‌طور کلی تا ۲۸ روز) نیز ممکن است برای شکایات ناشی از تخلفات و اقدامات غیرقانونی نظیر پرداخت پول یا پاداش دیگر در مورد هزینه انتخابات در اختیار شاکیان قرار گیرد اما مقرراتی که این زمان را اجازه می‌دهد، پیچیده است و دریافتن آن بدون مشاوره حقوقی برای رأی‌دهنده بسیار دشوار خواهد بود و باعث ایجاد سردرگمی خواهد

۳۳. اوروسکو و دیگران، پیشین، ۲۳۹.

۳۴. همان، ۲۴۰.

شد. این پیچیدگی و عدم اطمینان خود یک مانع برای ارائه شکایت قانونی در محدوده زمانی صحیح آن می‌باشد.

این محدوده زمانی بسیار سختگیرانه است و ممکن است دادگاه آن را تمدید نکند؛ بنابراین به نظر ۲۱ روز زمانی کافی برای طرح دعوی در انگلیس کافی نمی‌باشد چراکه دادخواست این دعاوی در سیستم دادرسی رسمی رسیدگی می‌شود و نیازمند این است که شاکی مبلغی بالغ بر ۵۵۰۰ پوند پرداخت کند، مشاوره حقوقی دریافت، ادله و شواهد کافی جمع‌آوری کند و با الزامات زمان بر دادرسی نیز مطابقت داشته باشد و عدم افزایش این زمان یکی از نگرانی‌های بجاست. در صورتی که در دولت‌های قابل مقایسه‌ای همچون استرالیا (۴۰ روز) و در نیوزیلند (۲۸ روز)، زمان بیشتری در اختیار شاکیان برای طرح دعوی قرار می‌دهند.^{۳۶}

۳-۴-سادگی فرایند

مطابق اصول، فرایند شکایت و طرح دعوی تا تصمیم‌گیری باید ساده باشد. ضروری است که تشریفات بیهوده را از میان برداشته و از تصمیمات رد درخواست به دلیل خطای تشریفات شاکی دوری شود.

۳-۴-۱-ارائه و تقدیم دادخواست

کد کمیسیون ونیز به سادگی فرایند طرح دعوی اشاره کرده ... «ضروری است که تشریفات را از بین برده و از تصمیمات رد درخواست پرهیز نماییم.» همچنین مؤسسه بین‌المللی پشتیبانی از دموکراسی و انتخابات مقرر کرده است که «روند شکایات باید شفاف و قابل فهم و عاری از موانع غیرضروری باشد ...».

روند ارائه دادخواست انتخاباتی در انگلستان، یک حوزه بسیار فنی و قانونی پیچیده است که تنها چند کارشناس به‌خوبی با آن آشنایی دارند. قوانین مربوطه شفاف و به‌راحتی قابل فهم نیستند و در متون قانونی پراکنده و در قالب زبان و اصطلاحاتی بوده که درک آنها دشوار است. یک وکیل مدافع در یکی از پرونده‌های اخیر این الزامات را حاوی «پیچیدگی شبیه امپراتوری بیزانس» خواند.

به‌طور خلاصه شاکی لازم است موارد زیر را رعایت نماید:

36. "Challenging Elections in the UK," Electoral Commission, op.cit. 20-21.

- ۱- درخواست را با استفاده از یک فرم مخصوص و حاوی اطلاعات مقرر، ثبت و سه نسخه از آن را به دفتر شکایات انتخاباتی تقدیم کند؛
- ۲- ارائه تقاضای جداگانه برای وثیقه هزینه‌ها؛
- ۳- تصدیق مدارک و تسلیم وجه‌الضمان به‌عنوان ضمانتی برای هزینه‌ها؛
- ۴- از طریق مجاز و ظرف پنج روز پس از دادن تأمین، برای خوانده و مدعی‌العموم، اطلاعیه‌ای از ارائه دادخواست و ماهیت و میزان تأمین که متقاضی ارائه کرده است به همراه یک کپی از پرونده و ادله ضمیمه شده ابلاغ نماید؛
- ۵- ارسال درخواست به قاضی مربوطه برای تعیین زمان و مکان برای رسیدگی به دادخواست.

علاوه بر اختلاف نظرها بر اینکه آیا همه الزامات فوق باید رعایت شوند و یا عدم رعایت هر یک از آنها آیا منجر به رد تقاضا خواهد شد یا خیر؛ به نظر می‌رسد برخی از این الزامات غیرضروری بوده و می‌توانند حذف شوند.^{۳۷} برای مثال مشخص نیست که چرا خواهان باید طرف‌های دیگر را از رویدادهای مختلف مطلع نماید در صورتی که این کار می‌تواند توسط ارگان رسیدگی‌کننده به پرونده انجام شود.^{۳۸}

۳-۴-۲- نقش خواهان پس از تقدیم دادخواست

به نتیجه رسیدن یا شکست خوردن یک دادخواست انتخاباتی بستگی به پیشبرد پرونده توسط شاکی دارد و در واقع این فرایند فنی باید توسط وی هدایت شود چراکه دادگاه‌های انتخاباتی تصریح کرده‌اند که بار اثبات یک شکایت انتخاباتی (از جمله مواردی که اتهامات مربوط به اقدامات غیرقانونی و فساد عمومی است) با ارائه دلایل استاندارد کیفری برعهده شاکی می‌باشد. در صورتی که این بار بسیار بزرگی برای شخصی است که ممکن است منابع لازم برای انجام این کار را نداشته باشد. بسیار مهم است که هرگونه ادعای صحیح در مورد جرایم انتخاباتی یا خطای آیین‌نامه‌ای که مأموران انتخاباتی مرتکب می‌شوند، به‌طور کامل مورد تحقیق و بررسی قرار گیرد و تصمیمی مبتنی بر حقیقت اتخاذ شود؛ اما با تحمیل بار اثبات تنها بر دوش شاکی که یک رأی‌دهنده نگران و یا کاندیدایی است که حقوق وی مورد تعدی

۳۷. برای مثال در پرونده میلر علیه بول (۲۰۰۹) دادگاه عالی اعلام کرده است که رد دادخواست تنها به دلیل نقص در اطلاع‌رسانی در مورد ماهیت و میزان تأمین در زمان لازم، مغایر با مواد ۳ و ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر بوده و به متقاضی زمان طولانی‌تری برای اصلاح نقص پرونده داد.

38. "Challenging Elections in the UK," Electoral Commission, op.cit. 22-24.

قرار گرفته و کسی که به‌نظر نمی‌رسد قادر به تشکیل یک پرونده قانع‌کننده باشد، این هدف محقق نمی‌شود.

اثبات اینکه یک جرم انتخاباتی رخ داده و در صورت لزوم اثبات تأثیر جرم ارتكابی بر نتیجه انتخابات ممکن است شاکی را حتی در صورت در اختیار داشتن راهنمایی کارشناسان حقوقی نیز با دشواری روبه‌رو کند. برای مثال یکی از دشواری‌هایی که وجود دارد در جایی است که شاکی ادعا می‌کند رأی‌دهندگان برای رأی دادن ارباب شده‌اند و نمی‌تواند قربانیان را به شهادت دادن راضی بکند.^{۳۹}

۳-۴-۳- استرداد درخواست

مطابق مقررات انگلستان و ولز، استرداد دعوای انتخاباتی طی یک فرایند بسیار دشوار ممکن است. شاکی نمی‌تواند شکایت انتخاباتی را بدون اجازه دادگاه انتخاباتی یا دادگاه عالی طبق درخواستی ویژه که به روش و در زمان و مکانی که مقرر شده است، مسترد نماید. به‌گونه‌ای که به گزارش کمیسیون انتخاباتی از سال ۱۹۴۵ هیچ شکایتی در مورد انتخابات پارلمانی مسترد نشده است و در انتخابات محلی تنها چهار مورد استرداد دعوی طی ده سال گذشته انجام گرفته است. این دشواری نمونه دیگری از پیچیدگی رسمی بسیار زیاد فرایند طرح دعوای انتخاباتی است. این الزامات سختگیرانه در استرداد شکایت با دستورالعمل کمیسیون ونیز مبنی بر ساده و بدون تشریفات بودن طرح دعوای انتخاباتی، مغایرت دارد.^{۴۰}

بدین شرح، الزامات قانونی برای طرح دعوای انتخاباتی در انگلستان بسیار رسمی و پیچیده است و عدم‌رعایت تمامی آنها به رد دعوی منجر شده است. همچنین بار سنگین جمع‌آوری همه شواهد و مدارک و اثبات منطقی بودن تردید در صحت انتخابات بر دوش شاکی قرار داده شده است. همچنین صرف‌نظر کردن از شکایت نیز فرایندی پیچیده و رسمی دارد و در اکثر انتخابات یک شاکی به تصریح قانون نمی‌تواند از دادخواست خود صرف‌نظر کرده و جای خود را به حزب بدهد.

۳-۵- هزینه‌ها

یکی از استانداردهایی که جامعه بین‌المللی توسط سازمان امنیت و همکاری اروپا به‌عنوان حداقل شرایط پذیرفته است، عبارت است از:

39. "Challenging Elections in the UK," Electoral Commission, op.cit. 24-26.

40. "Challenging Elections in the UK," Electoral Commission, op.cit. 26-27.

فرایند شکایت باید به دور از هرگونه موانع غیرضروری به‌ویژه هزینه اقامه دعوی باشد. آنجا نیز که هزینه‌ها غیرقابل‌اجتناب است باید در کمترین میزان ممکن باشد تا مانع دادخواهی شهروندان نشود.

۳-۵-۱- هزینه‌های برعهده خواهان

بخش ۱۳۶ قانون نمایندگی مردم ۱۹۸۳ مقرر می‌دارد که ظرف سه روز از ارائه دادخواست انتخاباتی، خواهان باید وثیقه‌ای برای تمامی هزینه‌هایی که ممکن است از طرف وی به هر شاهد فراخوانده شده یا خواهان وارد شود، پرداخت نماید.

یک مقام رسمی در دفتر اداری دیوان عالی که دعاوی انتخاباتی در انگلستان و ولز را رسیدگی می‌کند به کمیسیون انتخاباتی اطلاع داده است که به عقیده وی، قضات بالاترین میزان وثیقه را تعیین می‌کنند. در طرح دعاوی انتخابات پارلمان، به‌استثنای مواردی که کمک مالی پرداخت می‌شود، برای خواهان بیش از ۵۵۰۰ پوند هزینه دربردارد و در صورتی که پرونده در دادگاه به نتیجه برسد، این هزینه به‌طور قابل‌توجهی افزایش خواهد یافت.

پنج هزار پوند برای تأمین هزینه دادخواست در انگلستان در مقایسه با حدود ۳۳۰ پوند در استرالیا، ۵۰۰ پوند در نیوزیلند و ۶۴۰ پوند در کانادا بسیار زیاد است. اگرچه الزام به پرداخت همین مبالغ ۳۳۰ و ۶۴۰ پوند نیز به‌عنوان یک مانع بازدارنده از دسترسی به دادرسی خواهد بود اما بسیار کمتر از هزینه مقرر در کشور انگلستان است.

از سال ۲۰۰۷ در انگلستان تنها سه دادخواست توسط نامزدهای انتخاباتی که نماینده احزاب کوچک بودند، مطرح شده است. این موضوع نشان می‌دهد که احزاب کوچک که منابع مالی محدودی دارند با دشواری زیادی در طرح دعوی روبه‌رو هستند.

یک مانع مالی می‌تواند اشخاصی را که ممکن است شکایتی درست داشته باشند از هزینه‌های دادرسی گزاف بترساند و این منصفانه نیست که شکایات درست درمورد برگزاری انتخابات موردبررسی قرار نگیرند و انتخابات معیوب و نامناسب تنها به این دلیل که شاکی قادر به پرداخت هزینه و وثیقه نیست، لغو نشود.^{۴۱}

۳-۵-۲- هزینه‌های برعهده خواننده

افزون بر هزینه‌هایی که خواهان برای طرح دعوی پرداخت می‌کند، کاندیدای خواننده در مقام دفاع و سرپرست انتخابات نیز که به‌طور معمول در دعوا پاسخگوست هزینه‌های قابل توجهی متحمل می‌شوند. دعاوی انتخاباتی مانند دعوی قضایی دیوان عالی برای همه طرف‌های درگیر پرونده، هزینه دربردارد. دادرسی پرونده پیلینگ و دیگران که نصف روز زمان دادگاه را گرفت، ۵۵ هزار پوند برای خواننده هزینه دربرداشت. درحالی که در پرونده هاکنی علیه سوتون سرپرست انتخابات بالغ بر ۱۲۲ هزار پوند پرداخت کرد. اگرچه سرپرست انتخابات معمولاً می‌تواند اکثر هزینه‌های خود را از شرکت بیمه دریافت کند اما به‌ندرت پیش می‌آید که تمام هزینه‌ها جبران شود.

بار مالی برای یک نامزد که در مقام دفاع از خود برمی‌آید حتی بیش از بار مالی بر دوش مأموران انتخاباتی است؛ یک نامزد بعید است از منابع مالی و یا بیمه‌ای که سرپرست انتخاباتی در اختیار دارد، برخوردار باشد. همانند خواهان، نامزدهای خواننده در دعوی نیز در دریافت کمک‌های قانونی با دشواری روبه‌رو هستند.^{۴۲}

بنابراین طرح دعوی انتخاباتی در انگلستان فرایندی پرهزینه است و افرادی که شکایتی درست و واقعی از انتخابات دارند را از شکایت بازمی‌دارد؛ بنابراین سیستم انگلستان با استانداردهای بین‌المللی در مورد در دسترس بودن دادرسی انتخاباتی بدون تحمیل هزینه بر شاکی و یا با حداقل هزینه ممکن، در تعارض و بسیار بیشتر از هزینه‌های دعاوی انتخاباتی در کشورهای دیگر همچون استرالیا و نیوزیلند می‌باشد.

۳-۶- فوری بودن، مجازات‌ها و تجدیدنظر

نهاد تصمیم‌گیرنده در مورد این اختلافات باید تصمیم خود را به سرعت و در زمان تعیین شده اعلام کند که بیش از دو ماه زمان (مگر در شرایط استثنائی)، نباید به طول بینجامد. این دادگاه باید اختیار تحمیل مجازات‌های مناسب از جمله لغو نتیجه انتخابات و دستور برگزاری انتخابات جدید را در صورت تأیید تخلفات، داشته باشد. قانون انتخابات باید حق درخواست تجدیدنظر در سطح بالاتر با اختیار بررسی و اعمال صلاحیت نهایی در این موضوع را فراهم کند. تصمیم دادگاه عالی باید فوراً اتخاذ شود. همچنین این قوانین باید مرزبندی روشنی از حوزه‌های قضایی مربوطه ایجاد نمایند.

42. "Challenging Elections in the UK," Electoral Commission, op.cit. 31-33.

اما در انگلستان، طرح دعوی انتخاباتی را آن گونه که در اصول بین‌المللی سفارش شده، فوری نشناخته‌اند. قانون انتخابات انگلستان برای رسیدگی دادگاه به دادخواست نه محدودیت زمانی وارد کرده و نه الزام به پیشبرد پرونده بدون تأخیر کرده است. دادخواست‌ها می‌توانند قریب به دو سال پس از انتخابات طول بکشد تا حل شوند.

دادخواست‌های مربوط به اشتباهات اداری واضح و آشکار در شمارش اوراق رأی‌دهی یا اعلام نامزد برنده که در آن سرپرست انتخابات به خطا اذعان کرده است و نتیجه درست را می‌داند، معمولاً تا سه ماه پس از انتخابات مشخص نشده است. اگرچه دامنه برای تصمیم‌گیری در مورد دادخواست‌هایی که ادعای خطای اداری دارند، بسیار سریع‌تر به نظر می‌رسد، ممکن است نتیجه‌گیری هرچه سریع‌تر دادخواست‌های مربوط به شیوه‌های فاسد و غیرقانونی و در عین حال تضمین حق پاسخ‌دهنده به محاکمه منصفانه، دشوار باشد.^{۴۳}

بنابراین همان‌طور که اصول بین‌المللی توصیه می‌کنند، سیستم دادخواست بریتانیا به دادگاه، اختیار لغو انتخابات و برگزاری انتخابات جدید را می‌دهد.

در نهایت باید گفت سیستم مدرن دادخواست بریتانیا در سال ۱۸۶۸ ایجاد شد و تاکنون تغییرات اندکی داشته است. استانداردها و قوانین بین‌المللی که این استانداردها بر آنها استوارند و انتخابات در سراسر جهان بر اساس آنها ارزیابی می‌شوند، در سال ۱۸۶۸ وجود نداشتند و مدت‌ها پس از تأسیس سیستم دادخواست انگلستان، ایجاد شده‌اند؛ بنابراین جای تعجب ندارد اگر سیستم بریتانیا نتواند از بسیاری از استانداردهای بین‌المللی پیروی نماید.

در اهمیت بازنگری و بررسی مقررات مربوط به انتخابات و دادرسی انتخاباتی انگلستان برخی معتقدند از آنجا که سیستم و تکنولوژی انتخاباتی تغییر کرده است، شرایط احراز صلاحیت رأی‌دهنده و کاندیدا تغییر کرده، حقوق بشر مقرراتی در فرایندهای سیاسی را وارد کرده است اما قانون درباره دادخواست‌ها به احکام شبه‌دموکراتیک و یکتوریایی وفادار مانده ... دموکراسی، اقتضای طراحی مجدد اساسی فرایندهای تأمین امنیت قضایی روند انتخابات را دارد.^{۴۴}

نتیجه

تضمین حق اعتراض و شکایت و رسیدگی، اتخاذ تصمیم مستقل در خصوص نحوه عملکرد برگزارکنندگان انتخابات و همچنین اعتراض و رسیدگی و اتخاذ تصمیم در مورد دعوی

43. "Challenging Elections in the UK," Electoral Commission, op.cit. 60.

44. "Challenging Elections in the UK, (2012, September)," Electoral Commission, Last Accessed, 06/01/2017 <https://www.electoralcommission.org.uk/media/4005>.

مطروحه یکی از اصول بنیادین و ارکان هر انتخابات مردم‌سالار و دموکراتیک است. در واقع شناسایی حق مزبور نمایانگر میزان تعهدات حاکمیت‌های سیاسی به تضمین سلامت انتخابات و برگزاری انتخاباتی عادلانه است که این مهم از ارکان شاخص دموکراسی و حاکمیت مردم‌سالاری است.

در رابطه با دعاوی انتخاباتی در انگلستان یک دادگاه ویژه وجود دارد که هیئت قضات آن ترکیبی است از قضات دو دادگاه عالی. این دادگاه می‌تواند یک کاندیدا را فاقد شرایط اعلام کند، دستور بازرسی دقیق یا شمارش آراء را صادر نماید، به‌طور دقیق آراء را مورد بازبینی قرار دهد و حتی فرد دیگری را به‌عنوان پیروز انتخابات معرفی کند و یا در مواردی دستور برگزاری انتخابات جدیدی را صادر کند. همچنین بایستی این نکته را ذکر کرد که قانون دست دادگاه را در رسیدگی کاملاً باز گذاشته و لذا به‌طور جزئی حتی می‌تواند صحت تک‌تک آراء و هویت رأی‌دهندگان را مورد بررسی دقیق قرار دهد.

البته تشریفات ارائه دادخواست انتخابات گاهی بیش از اندازه دشوار است، تا حدی که احزاب کوچک‌تر و نامزدهای مستقل گاهی به‌علت قدرت کمتر، حشمان نادیده گرفته می‌شود و توان شکایت را ندارند. اول اینکه، هزینه ارائه دادخواست برای شکایت انتخاباتی بالاست (بیش از ۵۵۰۰ یورو و حتی گاهی خیلی بیشتر از این، چون ممکن است هزینه دادرسی افزوده شود)؛ دوم اینکه، شرایط دشوار و پیچیده‌ای برای تحویل دادن دادخواست وجود دارد؛ و سوم، وجود مقررات قانونی مبهم در بعضی از موارد است. برای مثال کاملاً مشخص نیست در چه زمینه‌هایی می‌توان شکایت کرد.

همچنین معمولاً دادگاه‌های انتخاباتی سریع تصمیم نمی‌گیرند. مثلاً اثبات یک خطای ساده اداری توسط یک مقام انتخاباتی ممکن است یک ماه طول بکشد و یا حتی گاهی در موارد پیچیده‌تر ممکن است دو سال طول بکشد تا نتیجه رأی دادگاه اعلام شود. به همین علت در عمل دعاوی انتخاباتی بسیار کم مطرح می‌شود زیرا تا سال ۲۰۱۶ در انگلستان فقط شش دادخواست انتخاباتی داشته‌ایم.

ایراد دیگری که می‌توان به سیستم حل‌وفصل دعاوی در انگلستان گرفت، عدم حق تجدیدنظرخواهی نسبت به رأی دادگاه انتخاباتی است که این مسئله با استانداردهای بین‌المللی و علی‌الخصوص ماده ۱ پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون اروپایی حقوق بشر که در رابطه با حق انتخابات آزاد است، سازگار نیست.

شواهد نشان می‌دهد که روند این درخواست‌ها در بریتانیا منسوخ، پیچیده، غیرقابل دسترس و ناکارآمد است. بر این اساس، نیاز به اصلاحات اساسی است تا اطمینان حاصل شود که انگلستان دارای سیستمی برای به چالش کشیدن انتخابات است که با اصول مقرر سازمان‌های بین‌المللی مطابق باشد و اعتماد عمومی و اعتماد به نتایج انتخابات را ارتقاء دهد. به‌طور کلی نظارت و رسیدگی به شکایات در انگلیس منوط به شکایت افراد و جنبه پیگیری دارد و آرای محاکم اختصاصی در صحت و ابطال انتخابات تأییدکننده نهایی است.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- اوروسکو انریکه، خسوس و همکاران. *دادرسی انتخاباتی*. ترجمه اسداله یآوری، هانیه اشتغالی، فاطمه عزیزمحمدی و مریم کریم جوزانی. تهران: نشر میزان، ۱۳۹۷.
- رنی، آستین. *حکومت، آشنایی با علم سیاست*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۴.
- علائی، حسین. «مطالعه تطبیقی اصول حاکم بر انتخابات دموکراتیک در حقوق ایران. آمریکا و انگلیس». رساله دکتری حقوق عمومی. تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات، ۱۳۹۴.
- عیوضی، محمدرحیم. «تأثیر رسانه بر رفتار انتخاباتی». *فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی* ۱۶(۱) (پیاپی ۵۷) (۱۳۸۸): ۱۷۴-۱۵۷.
- فاورو، لویی. *دادگاه‌های قانون اساسی*. ترجمه علی‌اکبر گرجی. چاپ دوم. تهران: انتشارات جنگل، ۱۳۸۸.
- قاضی، ابوالفضل. *حقوق اساسی و نهادهای سیاسی*. تهران: نشر میزان، ۱۳۸۳.
- گودوین‌گیل، گای اس. *انتخابات آزاد و منصفانه در حقوق و رویه بین‌المللی*. ترجمه سید جمال سیفی و دکتر سید قاسم زمانی. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهردانش، ۱۳۸۶.
- هاشمی، سید محمد و اعظم عدالت‌جو. «مطالعه تطبیقی نظارت بر انتخابات پارلمان در ایران و انگلستان». *فصلنامه تحقیقات حقوقی آزاد* ۱۱ (بهار ۱۳۹۰): ۲۴۳-۱۹۹.
- هاشمی، محمد. *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*. جلد ۲. چاپ هجدهم. تهران: نشر میزان، ۱۳۸۶.
- هریسی‌نژاد، کمال‌الدین. «نظری بر ابعاد حقوقی انتخابات و راه‌های توسعه آن». *نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز* ۱۸۰-۱۸۱ (۱۳۸۰): ۲۶۴-۲۳۷.

ب) منابع انگلیسی

Electoral Commission. "Challenging Elections in the UK. 2012, September." Last Accessed January 6, 2017. <https://www.electoralcommission.org.uk/media/4005>.

Petit, Denis. "Resolving Election Disputes in the OSCE Area: Towards a Standard Election Dispute Monitoring System. 2000." Last Accessed January 15, 2017. <https://www.osce.org/odihr/elections/17567?download=true>.